



دعاوی مالی و غیر مالی

در رویه دادگاهها

گروه پژوهشی
انتشارات چراغ دانش



ایران. قوانین و احکامات	عنوان فراردادی
دعاوی مالی و غیرمالی در رویه دادگاهها / مؤلف گروه پژوهشی انتشارات چراغ دانش.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: چراغ دانش، ۱۳۹۵.	مشخصات نشر
۱۸۳ ص؛ ۵/۲۱ × ۵/۱۴ س.م.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۰۰-۴۴۳-۱۳۸-۵	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
کتابنامه به صورت زیرنویس.	یادداشت
حقوق مدنی — ایران — دعاوی Civil rights -- Iran -- Cases	موضوع
انتشارات چراغ دانش	موضوع
۹۷۸۷۵/۵ ۷ ۱۳۹۵	شناسه افروزه
۳۴۸/۵۵۰۴	رده بندی کنگره
۴۴۸۶۲۶۱	رده بندی دیوبنی
	شماره کتابشناسی ملی

شناسنامه

عنوان کتاب: دعاوی مالی و غیر مالی در رویه دادگاهها

مؤلف: گروه پژوهشی

ناشر: انتشارات چراغ دانش

نوبت چاپ: اول/ اول/ انتشار دوم/ ۱۳۹۷

قطع و تیراز: رقعی / ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۳-۱۳۸-۵

کد کتاب ۸۲:

www.cheraghdanesh.com

چراغ دانش را در گوگل جستجو کنید

دقتر مرکزی: تهران، میدان هفت تیر، ورودی مدرس، کوچه مازندرانی، پلاک ۴، طبقه های ۳ و ۶ واحد های ۷ و ۱۴

تلنخن پخش و فروش: ۰۲۱-۸۸۱۴۰۶۰۱

حق چاپ برای انتشارات چراغ دانش محفوظ است. هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز کتبی از ناشر خلاف قانون بوده و پیکرده قانونی دارد.

فهرست کلی

مقدمه	۷
معرفی دعاوی مالی و غیرمالی	۱۱
دعاوی مالی و غیرمالی در آراء دیوان عالی کشور	۳۱
دعاوی مالی و غیرمالی در آراء دادگاهها	۷۵
دعاوی مالی و غیرمالی در نشستهای قضائی	۱۰۷
دعاوی مالی و غیرمالی در نظریات مشورتی	۱۴۵
دعاوی مالی و غیرمالی در قوانین و مقررات	۱۵۵
منابع و مأخذ	۱۶۷

فهرست جزئی

مقدمه	۷
معرفی دعاوی مالی و غیرمالی	۱۱
معرفی دعواهای مالی و غیرمالی	۱۳
مبحث اول: آثار تفکیک دعاوی مالی و غیرمالی	۱۷
گفتار اول: تعیین میزان هزینه دادرسی	۱۷
گفتار دوم: قابلیت تجدیدنظر و فرجام	۱۸
مبحث دوم: عنایین دعاوی مالی و غیرمالی	۱۹
گفتار اول: عنایین دعاوی مالی	۱۹
گفتار دوم: عنایین دعاوی غیرمالی	۲۵
دعاوی مالی و غیرمالی در آراء دیوان عالی کشور	۳۱
مبحث اول: آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور	۳۳
۱. قابلیت تجدیدنظر دعاوی غیرمالی	۳۳
۲. قابل تجدیدنظر بودن دعواهای اعسار با توجه به غیرمالی بودن	۴۰
مبحث دوم: آراء شعب تشخیص دیوان عالی کشور	۴۷

۱. غیر مالی و در صلاحیت دادگاه عمومی بودن دعوای ابطال پروانه	۴۷
۲. غیرمالي بودن ابطال صورت جلسه شرکت تعاضي.....	۵۰
۳. غيرمالي بودن رأى داورى	۵۲
۴. مالي يا غيرmali بودن دعواي استرداد جهيزie.....	۶۷
۵. مالي يا غيرmali بودن دعواي مربوط به روابط موجر و مستأجر	۶۹
۶. عدم شمول مرور زمان نسبت به دعواي غيرmali	۷۳
دعاوي مالي و غيرmali در آراء دادگاهها	۷۵
مبحث اول: آراء دادگاههای بدوي و تجدیدنظر	۷۷
۱. غيرmali و قابل تجدیدنظر بودن دعواي مربوط به روابط موجر و مستأجر	۷۷
۲. افزایش خواسته در دعواي غيرmali	۸۲
۳. تفکیک دعواي متعددی که در یک دادخواست مطرح شده	۸۷
۴. مطالبه نفعه از سوی فرزند	۹۰
۵. اثر بلوغ در دعواي مالي و غير مالي	۹۲
۶. مالي بودن دعواي استرداد لشه چك.....	۹۵
۷. مرجع رسيدگi به دعواي تأييد فسخ معاملات راجع به املاک	۹۶
۸. دعواي استرداد چك غيرmali است	۹۹
۹. دعواي بطلان بيع دعواي مالي محسوب می شود	۱۰۰
مبحث دوم: آراء دادگاه انتظامی قضات.....	۱۰۲
۱. ماليات و کلا راجع به ابطال تمبر مالياتی در امور غيرmali	۱۰۲
۲. غيرmali بودن دعواي خلع يد از اعيان غيرمنقول	۱۰۳
دعاوي مالي و غيرmali در نشستهای قضائي	۱۰۷
۱. مالي يا غيرmali بودن دعواي استرداد اعيان سفتنهها	۱۰۹
۲. تبعيت دادگاه از ميزان خواسته تعين شده توسيط خواهان در دعواي مالي	۱۱۱
۳. مالي تلقی شدن مطالبه مهریه پس از فوت شوهر	۱۱۲
۴. غيرmali تلقی شدن الزام به تعیير بروانه پایان کار از مسکونی به تجاری	۱۱۴
۵. مالي بودن دعواي الزام به شناسايي و تنفيذ مالكيت	۱۱۵
۶. مالي بودن دعواي الزام به تعیير نام صاحب امتياز تلفن	۱۱۶

۷. مالی بودن دعوای الزام به تعمیرات اساسی	۱۱۷
۸. مالی بودن دعوای اخذ تأمین	۱۱۸
۹. صدور حکم غیابی مربوط به یک دعوای مالی	۱۲۰
۱۰. مالی بودن دعوای اعسار از محکوم به	۱۲۲
۱۱. مالی یا غیرمالی بودن دعوای استرداد اوراق بهادر (سفته)	۱۲۵
۱۲. پرداخت هزینه دادرسی در دعوای مالی که بهای خواسته آن مشخص نیست	۱۲۷
۱۳. مالی یا غیرمالی بودن دعوای خلع ید اموال غیرمنقول	۱۲۸
۱۴. رسیدگی به دعوای اعسار از پرداخت محکوم‌به قبل از حبس محکوم‌ عليه و انقضای مواعده موضوع ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی	۱۲۹
۱۵. قابل واخوایی بودن دعوای اعسار از محکوم‌به	۱۳۲
۱۶. مالی یا غیرمالی بودن دعوای تقسیط	۱۳۳
۱۷. ملاک تشخیص دعوای مالی از غیرمالی	۱۳۵
۱۸. مالی بودن دعوای الزام به تنظیم سند رسمی سرفقی	۱۳۶
۱۹. ماهیت دعواوی راجع به تنظیم وصیت‌نامه، هیهانامه، الزام به تنظیم سند، استرداد لشه چک و اوراق بهادر	۱۳۷
۲۰. ماهیت حقوق ارتفاقی و انتفاعی	۱۳۹
۲۱. افزایش خواسته در اولین جلسه دادرسی	۱۴۱
۲۲. چگونگی اجرای حکم غیابی در دعوای غیرمالی	۱۴۲
دعاوی مالی و غیرمالی در نظریات مشورتی	۱۴۵
۱. غیرمالی بودن دعوای ابطال شناسنامه و اثبات نسب	۱۴۷
۲. میزان حق الوکاله و تمبر مالیاتی دعواوی خانوادگی و غیرمالی	۱۴۸
۳. طریقه احتساب خسارت حق الوکاله مطالبه مهریه	۱۴۹
۴. مالی بودن دعوای ابطال قرارداد فروش اقساطی املاک	۱۴۹
۵. غیر مالی بودن دعوای عسر و حرج	۱۵۱
۶. مالی بودن دعواوی مطالبه دیه با دادخواست	۱۵۱
۷. غیرمالی بودن درخواست تقسیم ماترک	۱۵۲
۸. غیرمالی بودن دعواوی استرداد لشه چک و سفته	۱۵۲

۹. مطالبه سهم الارث	۱۵۳
۱۰. مالی و قابل انتقال بودن اقاله	۱۵۴
۱۱. مالی بودن حق کسب یا پیشه	۱۵۴
دعاوی مالی و غیرمالی در قوانین و مقررات	۱۵۵
از قانون آیین دادرسی مدنی	۱۵۷
فصل اول - دادخواست	۱۵۷
مبحث اول: تقدیم دادخواست	۱۵۷
مبحث دوم: شرایط دادخواست	۱۵۷
مبحث سوم: موارد توقيف دادخواست	۱۵۹
مبحث چهارم: پیوستهای دادخواست	۱۶۰
فصل دوم - بهای خواسته	۱۶۱
فصل سوم - جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی	۱۶۲
مبحث اول: جریان دادخواست	۱۶۲
بخشنامه یکنواخت سازی در اخذ هزینه دادرسی	۱۶۴
منابع و مأخذ	۱۶۷

مقدمه

معمولاً رویه عملی دادگاهها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصاديق واقعی تا حدودی با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاه‌ها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود متفاوت است البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سؤالات به صورت تئوری و بدون تطبیق با مصاديق عملی کفایت می‌کند. به این ترتیب معمولاً چون امکان انجام کار عملی حین تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان این رشته وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی مشغول به کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاهها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با اشتغال به کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی‌تردید تنها منبع آموزش عملی و کالت، قضاوت و به‌طورکلی رشته حقوق، قبل از حضور عملی در دادگاهها و جلسات رسیدگی، رویه‌های قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخ‌ها و اختلاف‌نظرهای کسانی که هر روز به صورت عملی در حال انطباق قوانین با مصاديق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشته حقوق قضائی بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه علمی نمی‌باشد؛ زیرا رویه قضائی در واقع محرك رشته حقوق است که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه موجب عقب‌ماندگی از علم واقعی

حقوق و جامعه حقوقدانان خواهد شد. از این رو ناشران تخصصی این حوزه، هر کدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظایف فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی به صورت منظم و منحصر به فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعوا طی یک کتاب جداگانه به صورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعوا اقدام نماید لذا در راستای تأمین این هدف، مجموعه‌ای از کتاب‌ها تحت عنوان کلی «دعوای... در رویه دادگاه‌ها» که شامل موارد زیر است تدوین و تألیف خواهد شد:

۱. آراء وحدت رویه؛
۲. آرای اصراری؛
۳. آراء شعب دیوان عالی کشور؛
۴. آراء دادگاه‌های بدوى و تجدیدنظر؛
۵. نشست‌های قضائی؛
۶. نظریه‌های مشورتی؛
۷. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛
۸. نمونه دادخواست و معرفی دعوا.

در این مجموعه سعی شده است رویه قضائی کشور در خصوص هر دعوا به صورت منسجم و منظم گردآوری شود تا وکلا، حقوقدانان و قضات محترم در مراجعته به رویه قضائی در کمترین زمان به بهترین وجه مطالب مطلوب خود را یافته و استفاده نمایند. با توجه به تعدد بسیار آراء

دادگاه‌ها (دادگاه بدروی و تجدیدنظر) در برخی موارد حداکثر سعی بر آن بوده از موارد متفاوت آراء صادره در موضوع نمونه در قسمت رأی آورده شود و همچنین در سایر موارد، مثل آراء وحدت رویه، آراء دیوان عالی کشور، موارد مرتبط به موضوع ذکر شده است تا با توجه به اهمیت این آراء مورد استفاده خوانندگان و مراجعه‌کنندگان عزیز قرار گیرد.

مختصر ویژگی‌های کتاب:

۱. تدوین و گردآوری منظم و منسجم تمام مطالب مربوط به دعوا؛
۲. تقسیم‌بندی موضوعی برای هر کدام از مطالب؛
۳. ارائه معرفی دعوا و نمونه دادخواست در اول مجموعه؛
۴. ذکر عنوان برای هر مطلب به صورت خلاصه در فهرست؛
۵. دسترسی سهول و آسان به مطلب دلخواه در کمترین زمان.

«گروه پژوهشی» انتشارات مفترخ خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوقدانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هر کدام از موضوعات به صورت (کتبی یا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پربار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات
یکهزار و سیصد و نود و شش

فصل اول



معرفی دعوای مالی و غیرمالی

«دعوا»، در لغت به معنای ادعا کردن، خواستن، ادعا، نزاع و دادخواهی آمده است^۱ و در اصطلاح حقوقی نیز تعاریف مختلفی از مفهوم دعوا ارائه شده است: یکی از اساتید، دعوا را «عملی که برای ثبیت حقی صورت می‌گیرد؛ یعنی حقی که مورد انکار یا تجاوز واقع شده باشد.»^۲ تعریف نموده‌اند. همچنین برخی، دعوا را دارای دو مفهوم دانسته و در تعریف آن نوشتند: «حقی است که به موجب آن اشخاص می‌توانند به دادگاه مراجعه کنند و از مقام رسمی بخواهند که به‌وسیله اجرای قانون از حقوقشان در برابر دیگری حمایت شود. مراجعه به دادگاه و اجرای این حق همیشه به‌وسیله عمل حقوقی خاصی انجام می‌شود که اقامه دعوا نام دارد.»^۳ و در جایی دیگر نوشتند: «دعوا عملی است تشریفاتی که به‌منظور ثبیت حقی که مورد انکار و تجاوز واقع شده است انجام می‌شود.»^۴

دعوا به اعتبار مختلف، تقسیم‌بندی شده و تقسیم انواع دعوا، دارای آثار مختلفی است، یکی از تقسیمات دعوا، تقسیم از حیث مالی و غیرمالی

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ص ۱۵۳۹.

۲. احمد متین، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۴۹، ص ۳۳۳.

۳. ناصر کاتوزیان، اعتبار امر قضایت شده در دعواهای مدنی، چاپ پنجم، دادگستری، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸.

۴. ناصر کاتوزیان، همان، ص ۲۷۳.



بودن آن می‌باشد که هم بر میزان هزینه دادرسی مؤثر است و هم قابلیت تجدیدنظرخواهی.

از واژه «مال» تعریفی در مقررات یافت نمی‌شود و قانون مدنی صرفاً انواع مال را بیان نموده و تعریفی از مال ارائه ننموده است. **«از نظر حقوقی، به چیزی مال گویند که دارای دو شرط اساسی باشد:**

۱. مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی.
۲. قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد. اشیائی، مانند دریاهای آزاد و هوا و خورشید، از ضروری ترین وسائل زندگی است، ولی، چون هیچ کس نمی‌تواند نسبت به آن ادعای مالکیت انحصاری کند، مال محسوب نمی‌شود.^۱

همان‌گونه که ذکر شد دعاوی به دو دسته «مالی» و «غیرمالی» تقسیم می‌شوند و دعاوی غیرمالی نیز دو دسته‌اند: دعواهای غیرمالی ذاتی و دعواهای غیرمالی اعتباری. از دعواهای مالی و غیرمالی نیز تعریفی در مقررات به چشم نمی‌خورد ولی با توجه به مفهوم لغوی و کاربرد آن می‌توان دعواهای مالی را دعواهی که مربوط به مال و یا حق مالی می‌شود، تعریف نمود. حق مالی نیز آن است که اجرای آن مستقیماً برای دارنده ایجاد منفعتی نماید که قابل تقویم به پول باشد، مانند حق مالکیت و حق غیرمالی حق است که هدف آن، رفع نیازهای عاطفی و اخلاقی انسان است و قابل داد

۱. ناصر کاتوزیان، *اموال و مالکیت*، تهران، میزان، ۱۳۸۹، صص ۹-۱۰.

و سند نمی باشد؛ مانند حق ابوت و بنوت. تفکیک دعواهای مالی و غیرمالی در وهله اول چندان مشکل به نظر نمی آید؛ اما چون قانون گذار برخی دعواهای که ناشی از حق مالی هستند را به عنوان دعواهای غیرمالی اعتباری در نظر گرفته است، تفکیک و تشخیص دعواهای مالی و غیرمالی، قدری مشکل شده است.

«**دعاوی غیرمالی اعتباری**»، دعواهی هستند که اگرچه ذاتاً مالی تلقی می شوند؛ اما تعیین بهای خواسته برای این دعواهی لازم نیست؛ زیرا همان‌گونه که می‌دانیم، در دعواهی مالی، تعیین بهای خواسته در دادخواست ضروری است. «**دعاوی غیرمالی اعتباری**» عبارتند از:

۱. دعواهی خلع‌ید، در صورتی که مالکیت مورد نزاع نباشد؛
۲. در خواست افزار، تقسیم و فروش اموال مشاع در صورتی که مالکیت مورد نزاع نباشد؛
۳. دعواهی راجع به مجر و مستأجر به استثنای مطالبه اجور؛
۴. دعواهی مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی در عین غیرمنقول؛^۱
۵. دعواهی استرداد سند، مستند به رأی اصراری شماره ۳۸۸۶ مورخ ۱۳۴۰/۱۱/۱۰ که دعواهی استرداد سند را علی الاطلاق، غیرمالی دانسته است.

۱. مستند به ماده ۷ ق.ت.د.ح.ی و د. مصوب ۱۳۶۴.



۶. قابل ذکر است در تردید میان مالی یا غیرمالی بودن دعوا، اصل بر غیرمالی بودن آن است؛ اما در رویه عملی، دادگاهها در تردید میان این دو، اصولاً دعوا را مالی تلقی می‌کنند.

مبحث اول: آثار تفکیک دعواوی مالی و غیر مالی

مطابق ماده ۴۸ ق.آ.د.م، «رسیدگی به دعوا مستلزم تقدیم دادخواست می باشد» و در ماده ۵۱ همان قانون، محتويات دادخواست را بیان نموده و مقرر داشته یکی از مواردی که الزاماً در دادخواست باید قید گردد، تعیین خواسته و بهای آن می باشد، تعیین مقدار بهای خواسته نیز صرفاً در دعواوی مالی الزامی است و بر میزان هزینه دادرسی نیز مؤثر است؛ بنابراین آثار تفکیک دعواوی مالی و غیر مالی عبارتند از: تعیین میزان هزینه دادرسی و قابلیت تجدیدنظر و فرجام.

گفتار اول: تعیین میزان هزینه دادرسی

مطابق ماده ۵۰۲ ق.آ.د.م: «هزینه دادرسی عبارت است از هزینه برگهایی که به دادگاه تقدیم می شود و هزینه قرارها و احکام دادگاه». ماده ۵۰۳ ق.آ.د.م نیز میزان هزینه دادرسی را به ماده ۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت ارجاع داده و رئیس قوه قضائیه طی بخشname یکنواخت سازی هزینه دادرسی میزان هزینه دادرسی را به شرح زیر اعلام نموده اند:

- در اجرای بندهای ۲۲، ۱۳، ۱۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحات آن و به منظور یکنواخت سازی در اخذ هزینه دادرسی، موارد زیر جهت اجرا اعلام می گردد.



الف) هزینه دادرسی **دعاوی مالی** در مرحله اعاده دادرسی و اعتراض ثالث مطابق هزینه آن در مرحله فرجام خواهی (۵٪ محکوم به) و همچنین، هزینه دادرسی در مرحله واخواهی برابر هزینه آن در مرحله تجدیدنظر (۴٪ محکوم به) است.

ب) هزینه دادرسی در **دعاوی غیرمالی**، درخواست تأمین دلیل و تأمین خواسته در کلیه مراجع قضائی پنجاه هزار ریال (۵۰,۰۰۰) ریال می باشد و بنابراین تفکیک دعاوی **مالی** و **غيرمالی** در تعیین میزان هزینه دادرسی مؤثر خواهد بود.

گفتار دوم: قابلیت تجدیدنظر و فرجام

مطابق بند «ب» ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م، **کلیه دعاوی غیرمالی قابل تجدیدنظر خواهی** هستند و در مورد قابلیت تجدیدنظر خواهی دعاوی مالی بند «الف» ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م مقرر داشته: **دعاوی مالی** که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون ریال متجاوز باشد.

بنابراین تشخیص مالی یا غیرمالی بودن دعوا این اثر را خواهد داشت که کلیه دعاوی غیرمالی، قابل تجدیدنظر خواهی هستند و دعاوی مالی که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون ریال متجاوز باشد.

در مورد فرجام خواهی نیز احکام دادگاههای بدوى که به علت عدم درخواست تجدیدنظر، قطعیت یافته، قابل فرجام نیست مگر احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ ۲۰ میلیون باشد.

مبحث دوم: عناوین دعاوی مالی و غیر مالی

گفتار اول: عناوین دعاوی مالی

بند اول - عناوین دعاوی مالی ناشی از معاملات و قراردادها:

۱. الزام به تنظیم سند اتومبیل، ساختمان، زمین، تلفن و غیره، طبق نظریه مشورتی ۷۷/۶/۲۹-۷/۷۸۷۱ رأی اصراری ۴۱/۱۱/۳۰-۳۵۴۷؛
۲. ابطال سند مالکیت اتومبیل، ساختمان، زمین، تلفن و غیره، طبق بند ۴ ماده ۱۳ ق.آ.د.م. سابق و بند ۱۲ ماده ۷ ق.ت.د.ح. یک و دو؛
۳. دعوى بطلان تعقد و معامله که موضوع آن مالی باشد، طبق بند ۴ ماده ۱۳ ق.آ.د.م. سابق بند ۱۲ ماده ۷ ق.ت.د.ح. یک و دو؛
۴. اخذ به شفعه و حق فسخ در صورتی که موضوع معامله مال باشد، مستند به بند ۴ ماده ۱۳ ق.آ.د.م. سابق و بند ۱۲ ماده ۷ ق.ت.د.ح. یک و دو؛
۵. الزام به تحويل مبيع.
۶. مطالبه ثمن؛
۷. اثبات اقاله یا الزام به احضار خوانده جهت اقاله قرارداد منعقده در صورتی که موضوع معامله مال باشد، چون اقاله نوعی فسخ است و حق فسخ مالی است؛
۸. استرداد مبيع؛
۹. استرداد ثمن، طبق ماده ۲۷۷ ق.آ.د.م.
۱۰. مطالبه وجه التزام مندرج در قراردادها؛



۱۱. مطالبه وفای به شرط و عهود راجع به معاملات و قراردادها مشروط بر اینکه مورد مطالبه قابل ارزیابی باشد، مطابق بند ۷ ماده ۱۳ ق.آ.د.م.سابق- بند ۵ ماده ۷ ق.ت.د.ح. یک و دو؛

۱۲. الزام شرکت بیمه به پرداخت غرامت؛

۱۳. انحلال شرکت بازرگانی موضوع ماده ۱۹۹ قانون تجارت؛

۱۴. بطلان شرکت به لحاظ فقدان شرایط انعقاد عقد موضوع ماده ۵۷۳ قانون مدنی؛

۱۵. ادعای وقفیت؛

بند دوم- عناوین سایر دعاوی مالی:

۱. خلع ید: مستند به بند «ج» شق ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین-نظریه مشورتی اداره حقوقی ۱۳۷۹/۱۰/۱۴-۷/۹۴۶۴؛

۲. الزام به تغییر محل چاه توالت و دستشویی و باعچه که موجب ورود خسارت به ساختمان مجاور شده است؛

۳. مطالبه خسارات ناشی از نشت چاه و ترکیدن لوله آب و فاضلاب؛

۴. قلع و قمع بنا (در صورت اختلاف در مالکیت)؛

۵. اعسار از محکوم به و هزینه دادرسی، مطابق نظریه مشورتی شماره ۷۴/۵/۲۵-۷/۲۵۱۳؛

۶. مطالبه وجه چک، سفته، برات و اسناد عادی؛

۷. مطالبه خسارات تأخیر تأدیه؛

٨. مطالبه هزینه دادرسی و حق الوکاله؛
٩. ابطال رأى داور در صورتى که موضوع داوری مال باشد؛
١٠. دعاوى مربوط به علائم صنعتى و بازرگانى، مطابق بند ٣ ماده ١٦
ق.آ.د.م.سابق؛
١١. دعاوى مربوط به حق تأليف، تصنيف و حق اختراع، به استناد بند ٣
ماده ١٦ ق.آ.د.م سابق؛
١٢. اعتراض ثالث اجرایي موضوع ماده ١٦٤ قانون اجرای احکام مدنی
در صورت داشتن ادعای مالکيت نسبت به مال توقيف شده؛
١٣. دعوى توقف و ورشكستگى؛
١٤. ابطال سند در وجه حامل به علت مفقود شدن يا سرقة، مستند به
نظريه مشورتى قضاة محاكيم صلح تهران ذيل شماره ٣٨؛
١٥. اعسار از پرداخت ديه، به استناد ماده ١٥ قانون مجازات اسلامى
كه مقرر مى دارد: «ديه مالى است که...»-نظريه مشورتى ٢/٢٩٩٨-
٦٧/٨/١١
١٦. اثبات مالکيت؛
١٧. اعتراض به رأى کميسيون مواد ١٤٧ و ١٤٨ اصلاحی ثبت و املاک
(در صورت داشتن ادعای مالکيت)؛



۱۸. اعتراض به ثبت و تحديد حدود آن موضوع ماده ۲۰ قانون ثبت (چون علت اعتراض ادعای مالکیت است) مستند به نظریه مشورتی ۱۳۶۰/۱۱/۲۴-۷/۵۱۱۴

۱۹. اعتراض به آگهی تحديد حدود (اگر اعتراض ناشی از ادعای مالکیت باشد);

۲۰. اعتراض به عملیات اجرایی اداره ثبت اسناد و املاک در مورد اسناد لازم الاجرا؛

۲۱. دعوى افراز، تقسيم و فروش اموال مشاع در صورت اختلاف در مالکیت، طبق بند ۶ ماده ۷ ق.ت.د.ح. یک و دو- نظریه مشورتی ۶۲/۱۰/۱۱-۷/۴۷۴۹

۲۲. ابطال صورت جلسه افراز در صورت اختلاف در مالکیت؛

۲۳. دعوى بطلان تقسيم مال مشاع غيرقابل افراز در صورت اختلاف در مالکیت، با استناد به ماده ۴ قانون افراز و ماده ۹ آیننامه آن- بند ۶ ماده ۷ ق.ت.د.ح. یک و دو؛

۲۴. دعاوی مربوط به حقوق، مستند به بندھای ۴ و ۱۳ ماده ۷ ق.ت.د.ح. یک و دو- بندھای ۳ و ۵ ماده ۱۳ ق.آ.د.م سابق- ماده ۶۸۴ ق.آ.د.م سابق؛

۲۵. دعوای تصرف عدواني، مطابق بندھای ۴ و ۱۳ ماده ۷ ق.ت.د.ح. یک و دو- بندھای ۳ و ۵ ماده ۱۳ ق.آ.د.م سابق- ماده ۶۸۴ ق.آ.د.م سابق؛

۲۷. دعوا رفع مزاحمت، به استناد بندهای ۴ و ۱۳ ماده ۷

قت.د.ح.یک و دو- بندهای ۳ و ۵ ماده ۶۸۴ ق.آ.د.م سابق؛

۲۸. دعوا ممانعت از حق، ذکر شده در بندهای ۴ و ۱۳ ماده ۷

ق.ت.د.ح.یک و دو - بندهای ۳ و ۵ ماده ۱۳ ق.آ.د.م سابق- ماده ۶۸۴

ق.آ.د.م سابق؛

۲۹. استرداد لاشه چک، سفته و برات، به استناد رأی شعبه ۲۳

دیوان عالی کشور، ذیل رأی وحدت رویه ۶۷/۲۰/۲۰-۵۱۵ می گوید با

توجه به میزان مبلغ مندرج در چک دعوا مالی است؛

نظریه مشورتی قضات محاکم صلح تهران که می گوید: چون وجود

سند در ید دارنده ظهور در اشتغال ذمه متعهد و ظهرنویس آن دارد و

اصل بر استحقاق دارنده آن در مطالبه وجه سند دارد و در جریان

رسیدگی ایفا یا عدم ایفای تعهد و دین مطرح می شود و دادگاه تا برائت

ذمه متعهد یا ظهرنویس را احراز نکند نمی تواند نفیاً یا اثباتاً رأی

دهد، لذا دعوا مالی است.^۱

۳۰. درخواست صلح و سازش در امور مالی؛

۳۱. دعوا مطالبه دیه به ظرفیت وراث قاتل غیر عمد مطرح می شود.

۱. حسن زاهدی، *دعای مالی و غیر مالی*، شماره ۳۷، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۰، ص ۱۷۶.



بند سوم - عناوین دعاوی مالی مربوط به امور خانواده:

۱. استرداد شیربهای؛

۲. استرداد جهیزیه؛

۳. مطالبه نفقة معوقه؛

۴. مطالبه مهریه؛

۵. مطالبه نفقة ایام عده؛

۶. افزایش نفقة؛

۷. تعیین نفقة آینده.

بند چهارم - عناوین دعاوی مالی مربوط به مالک و مستأجر:

۱. مطالبه اجر معموقه بند ۱۴ ماده ۳ قانون وصول برق از درآمدهای

دولت - بند ۳ ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی سابق؛

۲. مطالبه سرقفلی؛

۳. تعديل و افزایش اجارهها و مطالبه مابه التفاوت آن، مستند به نظریه

مشورتی ۷/۹۸۴ مورخ ۴۶۱/۳/۲.

۴. مطالبه اجرت المثل.

بند پنجم - عناوین دعاوی مالی مربوط به امور حسبی:

۱. تقسیم ترکه: «اگر راجع به این اموال ادعای مالکیت مطرح گردد و در

مالكیت مورث حین الفوت اختلاف شود دعوى مالکیت مالی است»

مستند به رأى وحدت رویه شماره ۷۱/۷/۲۸-۵۷۹ بند ۶ ماده ۷ قانون

تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو- نظریه مشورتی اداره حقوقی

.۶۲/۱۰/۱۱-۷/۴۷۴۹

۲. الزام به فروش ترکه، در صورت اختلاف در مالکیت.

۳. مطالبه سهم الارث به طرفیت احراز وراث و یا فرد ثالثی که سهم الارث خواهان در نزد اوست اقامه شود.

گفتار دوم: عناوین دعاوی غیرمالی

۱. تأیید قولنامه، مستند به رأی وحدت رویه ۶۹/۵۹-۱۰/۱۱؛

۲. اعتراض به رأی کمیسیون ماده ۵۶ قانون جنگل ها و مراتع، مطابق نظریه مشورتی شماره ۸۱۶۱/۱۲/۱۶-۷/۸۱۶۱ اداره حقوقی؛

۳. ابطال رأی مدیریت اراضی استان هیئت ۷ نفره واگذاری و احیا در خصوص تشخیص اراضی موات خارج از محدوده شهرها و موضوع قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب؛ ۱۳۶۵/۴/۳۰؛

۴. اعتراض به رأی کمیسیون ۳ نفره تشخیص عمران و احیای اراضی در محدوده شهرها موضوع ماده ۲۳ قانون اراضی شهری مصوب؛ ۱۳۶۰/۱۱/۲۷؛

۵. ابطال پروانه چاه که به ظرفیت مالک و اداره آبیاری مطرح می شود، مطابق نظریه مشورتی ۶۱/۱/۲۴-۷/۴۲۰ اداره حقوقی؛

۶. انسداد چاه آب، مطابق نظریه مشورتی ۶۱/۱/۲۴-۷/۴۲۰ اداره حقوقی.